

مصاحبه

با

مدیر مجله
«نوفام»

در این شماره از:

کسری

پل الوار

لاهوتی

کوکرینیکسی

سایبان

مساح

آثاری خواهد یافت

ستارخان از: سایبان

<

ضمیمه: دو

تابلو از کتاب

«مادر» و

صورت حیدر

عمو اغلی

کشورتیک

شماره ۱۶-۷ مرداد ۱۳۳۰



دیجیتال کنده: نینا پویان

چند خبر

شب یکشنبه ۶ مرداد نخستین
 فستیوال ملی جوانان ایرانی در
 میان شور و هلهله هزاران تن
 پایان رسید.

هفته گذشته مهمانان عزیز ما،
 جوانان شهرستانها پتدریج تهران
 را ترک کفته و با یادبودهای شیرین
 و فراموش نشدنی به شهرهای خود
 باز گشتند.

فستیوال ملی قدم بزرگی بود
 که در راه توسعه همکاری و همبستگی
 میان جوانان نقاط مختلف کشور
 برداشته شد.

* روز ۲۶ ژوئیه نمایندگان
 جوانان چین در فستیوال برلین وارد
 مسکو شدند. در استگاه راه آهن
 مسکو که با پرچمهای شوروی و
 چین تزیین شده بود دبیر سازمان
 جوانان و رئیس تشکیلات جوانان ضد
 فاشیست از آنها استقبال کردند.

« گائو - تان » رئیس هیئت
 اعزامی چین درس نرانی که هنگام
 ورود کرد گفت:

« سر انجام آن لحظه‌ای که
 ما در همه زندگی آرزویش را

در صفحه ۴۳



کبوتر

شماره ۷۵ دوره اول ۱۱ مرداد ۱۳۴۰
 نشریه‌ایست هنری که روزهای
 اول و شانزدهم هرماه منتشر می‌شود.
 با همکاری عده‌ای از هنرمندان
 و دوستداران هنر

زیر نظر:
 احمد صادق - چهاتگیر بهروز
 محمد جعفر محبوب
 ناشر: بنگاه سپهر
 تهران - چهار راه مخبرالدوله
 نامه‌ها با ذکر عنوان مجله به
 نشانی، ناشر فرستاده شود

بهای اشتراك

برای ۴۴ شماره ۱۰۰ ریال

« ۱۳ » ۵۵ «

تکشماره ۵ ریال

صاحب امتیاز: بهروز



از: ا. اردشیر

سیمای هش رو طیت ایران

نخوانده و بی خبر هم فیلسوفانه ،
سر تکان میدهند و این سخن یاوه
را چون آیات آسمانی تکرار
میکنند .

مشروطیت ایران ، محصول
تکابوی یکصد ساله ایرانیان است ،
از وقتی که حکومت شاهان صفوی
نخستین بار حدود مملکت را مقرر
و معین کرده ، در سراسر آب و
خاک پدران ، مرکزیتی فراهم
آوردند ، از دو زی که برانرا یلغار
شاهان عثمانی ، و بسته شدن راه
تجارت آسیا سودا گران اروپائی
دسته دسته راه هند و ایران را
سپردند آن رکود و سکوت دوران
مغول جا بجوش و تکابوی امید
آوری داد .

سفلگانی که تنانخن پایشان از
برکت دراهم انگلستان پروردده
و اطاعت سودجویان لندن تاسویدای
دلشان جا گرفته است چنین گفته اند
که گویا نهضت مشروطه خواهی
ایرانیان از آنجا که بخطاطر
رقابتی که میان تزار و بریطانیا
پدید آمده و با انعقاد عهدنامه های
۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ گاهی موازی تمايلات حریف چنوبی
رفته ، پرداخته و ساخته انگلستان
بوده است .

این سخن را اعتاب و احفاد
امیر بهادر ، شاهزادگان بلاعقب
قاجاریه ، دکانداران موقوفه خوار
از دهان سخنگویان همان انگلستان ،
برزبان میرانند و پاره مردم درس



باقر خان

از سرداران بزرگ انقلاب
مشروطه و دست راست ستارخان

مرد فداکاری چون میرزا رضای
کرمانی از پادر آمد و طی یازده سال
دولت مستعجل مظفر الدین شاه نطفه
انقلاب هر چه پخته تر گردید و او اوسط
سال ۱۳۲۴ بیکباره منفجر شد.

مشروطیت ایران عبارت از
آن تمايل عوامل انگلیسي نیست
که بخاطر سر کوب عوامل تزاری

قرنهای گذشت تا از این محصلین
فرنگ رفته و سیاحان از فرنگ آمده
حرفهای تازه تری بگوش مردم
خورد. شکست جنگی و سیاسی
خاقان مغفور، و شدت هم چشمی
روسیه و فرانسه و انگلستان، مردم
ایران را خیلی بیدار ترا ساخت.
مخالفت بازیم موجود، بصورت
بدعت های مذهبی و دسته بندیهای
دینی نمایان گردید. از مباحثت
پیروان شیخ احمد احسائی و سید
علیمحمد باب بوی مخالفت و تجدد
طلیبی می آمد اما قدرت استبداد
بقدیمی بود که هر اصلاح و خیال
اصلاح طلبانه، با چماق نراشان و
شکنجه قراولان درباری رو برو
میشد و پیش از خود نمائی از همیان
میرفت. مؤلف تاریخ بیداری می
نویسد که وقتی بناصر الدین شاه
خبر دادند جماعتی در یکی از
خانه های سنگلج گردیدم آمده و
گفتگوی اصلاحات مملکتی را پیش
آورده اند شاه در دم فرمان احضار شان
داد و جمله را در چاهی افکنده
یکایک را با هفت تیر مقتول ساخته
نفس آسوده کشید.

با اینهمه چون ظلم به نهایت
رسید، تاب و توان مردم از دست
رفت. تا ناصر الدین شاه بدست

مجاهدان بزرگ را بشناسید



مشروطیت ما گرچه از تقاضای «عزل عسگر گاری چی» و «برگرداندن طلاب اردیل» آغاز شد اما سیمای واقعی آن در واقعه بمباران، در باریکاد یازده ماهه تبریز، درفتح تهران، در مخالفت با اولتیماتوم ۱۹۱۱، در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، در صحته انقلاب گیلان، در قیام خیابانی، در حوزه های مخفی کارگری ایام رضا شاه، در اعتصاب دلیر آن ۱۳۰۹، در دفاع دلیر آن ۵۳ نفر و در حوادث عمیق و انقلابی بعد از شهریور بخوبی و نیکی بچشم می خورد.

رجال مشروطه هم بخلاف آنچه گفته اند سعدالدوله ها و تقی زاده ها نبوده اند و نخواهند بود. افتخار رهبری مبارزه حق طلبانه ملت با حیدر عموماً غلی، ستارخان، علی

پیرم خان

سرداری دلیر و مدیر بود. همه جا پیشاپیش صفوف انقلابیون نبرد می کرد و سرانجام در همدان شهید شد.

از نارضائی مردم استفاده کرده و رژیم حکومت را تغییر داده و بدست کسان خود واگذشتند.



عباس آقا تبریزی
福德ائی دلیری بود که جلو از
مجلس اتابک وزیر مستبد محمد
علیشاوه دشمن بزرگ آزادیخواهان
را از پای درآورد و خود همانجا
شهید شد. فداکاری او در تسریع
کار آزاد مردان تائیر فراوان
داشت.

آنروز خلق ایران رهنمايان
دلسوذ و مبارز كمترداشت که آتش
پيکار راصيمانه و متعدد برافروزنده
و پايدار مانتند. امروز پيش قراول
آبدينهاي چون کار گردارد که توده
واسع دهاقين و صنعتگران شهرى

مسيو، باقر خان، يار محمد خان،
سليمان ميرزا، يحيى ميرزا،
خياناني، القلاييون گيلان
نمایندگان «كنگره انزلی»
رهبران نخستين اتحاديه هاي
کارگري ايران، هسته
مترقى حزب اجتماعيون
نمایندگان کنگره دوم
«اروميه»، اعتصاميون ۱۳۰۹
محبوسين سياسي قصر
حجازي ها، على اميدها،
اردشيرها، فرخيها،
ارانيها و اتير باران شدگان
آذربايجان و كردستان و
آبادان و همين چند روز
پيش تهران است!

مشروطيت صدائى نبود که
يکباره برآيد و يکباره خاموش
شود. حرفي نبود که بر زبان رود
و دردم از يادها محو گردد.

اين صدا صدائى مداوم و بي گير
خلق ايران است که آنروز از
خود كامي ملك داران و اعوان
فاجاريه مى ناليد و امروز از يداد
صاحبان کارخانه و صاحبان اراضي
هردوشكوه دارد.

ستارخان

از میان مردم بر خاسته بودو
به پشتیبانی مردم کار انقلاب را پیش
می برد. نخستین بار در ماجراي
دستگیری اکرام السلطان نام او
پر سر زبانها افتاد.

مردی دلیر، خوددار و بی ادعا
بود. در جنگهای تبریز دلیریهای
بسیار نمود و به پشتکار و اراده
مردانه او بود که تبریز در برابر
قشون محمد علیشاه تسليم نشد و
سرانجام پیروز گردید.

از دوستان نزدیک حیدر
عمواغلی بود و جز بامشوت او کار
نمیکرد. او هم از کسانی بود که وقتی
انقلاب از سیر عادی خود منحرف
گردید رانده و گوشه گیر شد.

سلام و افتخار بر دلاوران
پیکار جوی آذربایجان.

سلام و افتخار بر انقلابیون
گیلان.

سلا بر کارگران خوزستان.
سلام بر مردان وزنان پایدار
تهرن.

سلام بر حیدر عمواغلی،
ستارخان، سلیمان میرزا، دکتر
ارانی، چهره های دزخشان مشروطیت
ایزان.



کریم دواتکر

بقصد کشتن شیخ فضل الله
دشمن بزرگ مشروطه خواهان جان
خود را فدا کرد.

و کسبه غارت زده و قشر پاک باز و
تهیید است روشن فکران را بدنبال
میکشد و بر ضد رژیم پوسیده
بورژوا - فتووال امروزی که
با استظهار تمام دنیا ای سرمایه داری
از حکومت ایسلند گرفته تاجمهموری
ایالات متحده در مقابل خواستها و
آرمانهای مردم دیوار میکشد،
بر پا میخیزد.
ینست سیمای حقیقی مشروطیت
ایران!

آزادی

ترجمه «أ.ن.مهر»

روی باران غلیظ و بی مزه	روی دفترهای مدرسه ام
من نام ترا مینویسم.	روی میزهای کلاس و روی دیوارها
روی مزرعه‌ها ، روی افق	روی شن ، روی برف
روی بالهای پرندگان	من نام ترا مینویسم.
روی آسیای سایه‌ها	روی همه صفحه‌های خوانده شده
من نام ترا مینویسم.	روی همه صفحه‌های سفید
روی همه امواج سپیده‌دم	روی سنک، خون، کاغذ یا خاکستر
روی دریا ، روی کشتی‌ها	من نام ترا مینویسم.
روی کوهستان دیوانه	روی جنگل و صحرا
من نام ترا مینویسم.	روی لانه‌های پرندگان ، روی گلهای میمون
روی معبرهای بیدار شده	روی انعکاس آواهای کودکم
روی جاده‌های گسترده شده	من نام ترا مینویسم.
روی میدانهایی که طفیان کرده‌اند	روی شکفتیهای شبها
من نام ترا مینویسم .	روی نان سفید روزها
روی چراغی که روشن میشود	روی فصلهای نامزدی
روی چراغی که خاموش میشود	من نام ترا مینویسم.
روی خانه‌های گرد آمدۀ‌ام	روی بر که کپک‌زده‌زیر آفتاب
من نام ترا مینویسم.	روی دریاچه زنده‌شده، زیر مهتاب
روی میوه‌های نصف شده	
روی آینه و روی اتاقم	
روی بسترم یک صدف خالی	
من نام ترا مینویسم.	

مجاهدان بزرگ را بشناسید



علی مسیو

از متمنکنین تبریز بود . از
همان آغاز جنبش مشروطه با
تاسیس «مرکز غیبی» و فعالیت-
های دیگر با آزادیخواهان همکاری
می کرد .
دوسرا و دارائی خود را در
این راه از کف داد اما نامش برای
همیشه در تاریخ انقلاب مشروطه
ثبت گردید .

من بدنیا آمد هم برای اینکه

ترا بشناسم
برای اینکه ترا بنامم

آزادی

روی سک شکمو و مهر بام
روی گوشاهی برافراشته اش
روی پنجه های ناچالا کش
من نام ترا مینویسم .

روی چهار چوب در
روی اسبابهای آشنا
روی موج آتش مقدس
من نام ترا مینویسم .

روی همه بدنها تسليم شده
روی پیشانی دوستانم
روی هر دستی که دراز شود
من نام ترا مینویسم .

روی بناههای ویران شده ام
روی فارهای «۱» مفقود
شده ام

روی دیوارهای رنج
من نام ترا مینویسم .

روی غیبت بی لذت
روی تنها بی عربان
روی بلکان مرک
من نام ترا مینویسم .

روی سلامت باز گشته
روی خطر ناپدید شده
روی امید بدون یادگار
من نام ترا مینویسم .

و با نیروی این یک کلمه
زندگی را از سرمیگیرم

(۱) چراغ در بابی

نظر یک بانوی روزنامه نگار ایتالیائی درباره :
مبارزه جوانان وزنان ایران در راه صاحب
دکتر مصدق ورل او ، فاجعه ۲۳ تیر و ...

بانو «Maria Antonietha Macciocchi» نماینده فدراسیون دموکراتیک

بین المللی زنان و مدیر مجله «مازنان» چاپ روز بته ران آمده بود. خانم ماکچیو کشی در دوره اقامت کوتاه خود در فستیوال جوانان بین شرکت کرد و با رجال ایران مصاحبه هائی نمود. در زیر متن مصاحبه خانم «ماکچیو کشی» بنا نماینده «کبوتر صلح» و در همین شماره پیام او برای زنان بیران چاپ میشود :

۱ - شما با چه سمت و بچه منظوری با ایران آمده اید ؟

من نماینده فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان

همستم. چون بزودی از طرف این فدراسیون کنفرانسی بمنظور دفاع از کودکان دروین تشکیل میشود من آمده ام تا درباره زندگی کودکان





حیدر عمو اغلی (از: مساح)

ایرانی مطالعه کنم و در ضمن مقدمات شرکت نمایندگان ایران را در این
کنفرانس فراهم سازم.

در کنفرانس وین وضع تعزیه و پروردش و بهداشت کودکان
در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مورد بحث قرار می‌گیرد و برای
نجات و حمایت این کودکان تصمیم‌هایی گرفته می‌شود. همه آزادی
خواهان ایران خاصه جوانان، پزشکان، آموزگاران و استادان
صرف‌نظر از عقاید سیاسی باید مارا در این کاریاری کنند.

این هدف اصلی من از مسافرت با ایران است اما گذشته از
این من مدیر مجله «نوفام» هستم که ارگان تشکیلات زنان ایتالیا است
و ۲۶۰ هزار نسخه تیراژ دارد از این نظر من مانند یک دوزنامه
نگار هم می‌توانم از کشورشما دیدن کنم.

۲ - پیش از آنکه با ایران مسافرت کنید درباره کشور ما

چه میدانستید؟

- من هم مثل دیگر افراد ملت ایتالیا می‌دانستم که ایران گرم
مبارزه با استعمار «انگلیو-امریکن» است برای آنکه از نزدیک
سه‌هم عظیم ملت ایران را در این مبارزه بدامن لازم بود سفری
با ایران بکنم.

آقای دکتر هصدق در خارج از ایران فرد
دموکراتی معروف شده بود ولی. نچه من در این چند
روز بچشم خود دیدم خلاف آنست که می‌شنیدم.
ملت م بخصوص کارگران ما حادته ۱۵ ژوئیه (۲۳ تیر) را
با نفرت عمیقی تلقی می‌کنند و در ابراز اعتراض و انزجار با ملت ایران
هم‌صدا و همدردند.

من حالا خوب می‌فهم که مصدق چیزی جز آلت دست امپریالیست
ها نیست. او عروسکی است که آرایش عوام فریبانه ای یافته. او با
پشتیبانی ملت ایران مراحل مختلف مبارزه با امپریالیزم را یکی پس
دیگری طی کرد و در مرحله آخری که تنها یک راه، راه ملت، برای
او باقی مانده بود آشکارا خود را بدامن دشمنان انداخت. او امروز
در راهی می‌رود که بی‌شک به شکست منتهی می‌گردد.

۳ - نظر شما در باره مبارزه ملت ایران در راه صلح

چیست ؟

- در شرایط فعلی که احزاب و جمیعت های دموکراتیک در ایران اجازه فعالیت آزاد ندارند نهضت صلح را باید پیشرو ترین و مترقی ترین جنبش مردم ایران شمرد.

بعقیده من نهضت صلح مردم ایران را در مبارزه با امپریالیسم تقویت میکند و خاصه امروز که دولتهای امپریالیستی می خواهند ایران را پایگاه جنگی بسازند اهمیت نهضت صلح طلبی مردم ایران برای خود ایرانیان و برای مردم جهان بیش از پیش معلوم می گردد.

۴ - بهترین خاطره ای که از چند روز اقامت خود در ایران دارید کدامست ؟

- بهترین خاطره من یاد بود میتبینگ عصر جمعه ۲۷ زوئیه ۴ مرداد جوانان صلحجوی ایران است. این بزرگترین فرصتی بود برای من که جوانان ایرانی را بشناسم.

جوانان ایرانی از نظر شهامت و شور مبارزه در شمار پیشرو ترین جوانان دنیا هستند.

جوانان ایرانی بمن نشان دادند که نهضت ملی ایرانیان تا چه حد نیرومند است و چه آینده روشنی در پیش دارد.

اطمینان دارم ملتی که جوانانش این چنین مبارزه کنند، پیروز خواهد شد.

۵ - آیا شما فریاد اعتراض ما را برضد بیدادگریهای دولت ایران، اشغال نظامی خانه صلاح، کشتار فوجیع ۲۳ تیر و ۰۰۰ بگوش جهانیان خواهید رساند؟..

- علاقه ای که در این مدت کوتاه به ملت ایران پیدا کردم مرا موظف میکند در باز کشت با تشکیل کنفرانسها با نوشتمن مقالات در روزنامه های مختلف، بخصوص «اوینتا» و با هر وسیله دیگر که بدمتم آید فریاد اعتراض ملت ایران را بگوش جهانیان برسانم.

من بخصوص عکس های از کشتار فوجیع ۲۳ تیر به مردم می برم و برای چاپ در دسترس مطبوعات اروپا می گذارم. در نظر دارم

نامه گور کی به رولان

در شماره پیش دو نامه از گور کی و رولان
چاپ کردیم. در این شماره پاسخ گور کی
به نامه رلان چاپ میشود.

پتروگراد ۱۸-۳۱ مارس ۱۹۱۷

روهن رولان عزیز، پاسخ نامه شمارا باشتاد مینویسم. کتاب
بتهوون باید برای جوانان سیزده تا هیجده ساله نوشته شود... این
کتاب باید بصورت یک داستان واقعی و جالب از زندگانی این نابغه و
از تحولات روحی او باشد که در ضمن تمام حوادث اساسی حیات او،
رنجهای را که بر آنها چیره شده است و افتخار ای را که بدان نائل
آمده است نیز در خود داشته باشد.

خیلی بجا خواهد بود که تمام حوادث دوران کودکی بتهوون
در آن گنجانده شود. هدف ما اینست که بکودکان عشق و اعتقاد
بزندگی، الهام گردد، درحالیکه میخواهیم بمردم بالغ، قهرمانی
را بیاموزیم. باید بانسان آموخت که خود اouxالق و صاحب اختیار
دنیاست و مسئولیت تمام بد بختیهای روی زمین متوجه خود است و
افتخار تمام خوبیهای زندگی هم برای اوست.

باید بانسان کمک کرد تا زنجرهای تعصبات فردی و مرزی را
درهم بشکند. واقعاً تبلیغ برای تشکیل یک اتحاد جهانی بسیار
ضروری است.

پیشنهاد شما برای نوشن «زندگانی سocrates» خیلی خوشحالم

هنکام مراجعت با «انریکو برائنکور» رئیس فدراسیون جهانی
جوانان دموکرات ملاقات کنم و اورا از نقش مهمی که جوانان ایران
در تامین سعادت ملت خود و مال جهان دارند بیان کنم.

در پایان اینرا هم بگویم که مبارزه زنان ایران که همه جادوشن
بدوش مردان در مقابل گلو له و سرنیزه سینه سپر میکنند برای من بسیار
قابل تحسین و ستایش است.

کرد و خواهش میکنم خودتان این کار را انجام دهید. طبعاً شما سفر اط
را در روی زمینه زندگی قرون باستانی و بر روی زمینه زندگی آتن
مجسم خواهید ساخت؟

تند کر دقیق شما در مورد کتاب موسی بانتظر من در باره مشی
تعصب مذهبی در زندگانی و اثر ناگوار آن کاملاً هماهنگی دارد. اما
موسی در نظر من فقط از نظریک مصلح اجتماعی اهمیت دارد و کتاب
هم باید این جنبه او را مورد نظر قرار دهد.

ابتداء من به «زان دارک» فکر کرده بودم. اما بیم داشتم که
این موضوع مارا مجبور سازد که از «روح تصوف آمیز و خرافی مردم»
صحبت کنیم و بعلاوه این موضوع برای ماروسها خیلی مناسب و مورد
توجه نیست.

مطلوب دیگر در باره زندگانی فرانسو داسیس است. اگر
نویسنده این کتاب در نظر بگیرد که اختلاف زندگانی مثبت او را با زندگانی
مقدسین شرق و مقدسین روسیه نشان بدهد و نمایان سازد البته کتابی
بسیار خوب و خیلی مفید خواهد شد: شرق بدین است. فعال نیست
و منتظر است که دیگران برایش کار کنند. مقدسین روس زندگانی
را دوست نمیدارند، آنها منکر زندگی هستند و آنرا لعنت میکنند.
اما «فرانسو» در مذهب پیرو «ایکور» است و مثل یک یونانی
قدیم میباشد. او خدا را بعنوان مخلوق خودش و مثل خودش
دوست میدارد. او از عشق بزنده کی لبریز است و در برابر خدا بهیچ
وجه ترس و وحشتی ندارد. یک نفر روس کسی است که متأسفانه خوب
زنده کی کردن را بلد نیست اما نوب مردن را بلداست ... امیدوارم
که روسیه لااقل از چین شرقی تر نباشد. مافقط در تصوف و عوالم ما بعد
الطبیعه خیلی غنی هستیم ... بطور کلی لازم است که بانسان عشق بکار
را الهام کرد و ستایش عقل انسان، و ستایش زندگی را در او بیدار
ساخت.

از نامه دوستانه شما بسیار بسیار متشرکم برای ماما یه تسلی عظیمی
است که بدانیم در یکجا، خیلی دور، مردی وجود دارد که روح او
نیز مثل روح مار نج میبرد و همان چیزی را که ما دوست میداریم دوست

بالت چیست؟

« بالت » یکی از رشته‌های هنر است که هنوز در ایران چنانکه شایسته است معرفی نگردیده.

برای آنکه بتوانیم در این رشته هم اطلاعاتی
بخوانندگان بدهیم در این شماره آنچه برای
یک خواننده لازم است درباره بالات مینویسیم.
در شماره آینده یکی از بالات‌های مشهور را

تفسیر هیکنیم

بالت مانند اپرا یک نوع هنر مرکب است و این ترکیب هنری از سه عامل موسیقی - رقص و نقاشی تشکیل میشود ترکیب رقص و موسیقی از دورانهای اجتماع او لیه بشر وجود داشته. انسانهای او لیه برای شکار اول بر قصه‌های دسته جمعی می‌پرداختند و بهمراه رقص موسیقی خاصی مینواختند یا آواز میخواندند

میدارد . مخصوصاً خیلی خوبست که ما این موضوع را در این روزهای سخت و در این روزهای جنون بشری بدانیم ! . . .
دوست عزیز دست شمارا صمیمانه می‌پیشام .

ہاکیم گور کی

(v) P.S.

حوادنی که در روسیه روی داده است (۲) ارسال نامه را
بتأثیر انداخت . دومن رولان بخودمان تبریک بگوئیم . از صمیم قلب
بخودمان تبریک بگوئیم . دیگر روسیه سرچشمۀ ارتیجاع اروپا نخواهد
بود . ملت روس با آزادی ازدواج کرد و امیدوارم که از این پیوند
خشسته ارواح بزرگ بسیار ، بری افتخار بشریت بدنیا خواهد آمد .
P.S.—۱ مخفف کلمات «پست الکریپتوم » است معنی ولا
وقتی که نامه‌ای بپایان میرسد و بعد مطلبی بر آن می‌افزایند . حروف
P.S. را در بالای آن می‌گذارند . مترجم .
۲—منظور حوادت انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه است —

مترجم

باين ترتیب رقص و موسیقی تواماً بمنظور رفع نیازمندی‌های اجتماعی بوجود آمد و نمو کرد و بر حسب وضع اجتماعی ملل و قبایل مختلف موسیقی عامیانه و رقص‌های محلی گوناگون پیدا شد.

در دوران رنسانس Renaissance در همان موقعی که بازرگانان کشورها برای فروش کالاهای خود راه مستعمرات را بحکومتها نشان میدادند.

همان زمان که پس از رکود طولانی شهرسازی که از دوران تمدن یونان و اجتماع برده‌گی تا آنروز دوام داشت بازدیگر شهرهای زیادی ساخته شد، پاپ برای مرکزیت کلیساي «واتیکان» را بنا نهاد و اسپانی



یک صحنه از بالت «دریاچه قو» اثر چایکوفسکی

برای جلوگیری از تکامل فکری انسانها دادگاههای تفتیش عقاید برپا ساخت، هنر پاپیای سایر موازین فکری رونق برجسته‌ای یافت. موسیقی هنری امروز در واقع از همان زمان پایه‌گذاری شد.

نقاشی میکل آنژ - لئونارد دو داوینچی ورافائل گرچه قصرهای واتیکان را زینت میداد با عوامل مترقی خود پایه اساسی نقاشی گردید. هسته و نطفه اپرای نیز در همان زمان بوجود آمد.

تاریخ بالات نیز که مانند اپرا یک هنر ترکیبی است در او آخر دوره رنسانس آغاز میگردد؛ و همانطور که بزرگترین شاهکارهای نقاشی قهرمانان هنری نظیر میکل آنژ و لئونارد دا وینچی بنا چار در خدمت و در اختیار پاپ و کلیسا بود هنرجوان بالاتهم دوران کودکی خود را در دربار سلاطین فرانسه گذراند. برای هنر مترقی آن دوره این انتخاب ضروری بود همانگونه که مولیه تاترهای انتقادی خود را در دربار فرانسه نمایش میداد.

لولی **Lulli** یکی از نخستین آهنگنویسان بالات و مصنف معاصر مولیر که برای اکثر تاترهای مولیر از جمله **Bourgeois Gentilhomme** (بورژوازی جوانمرد) نیز بالات نوشته، فقط در دربار لوئی میتوانست بالتهای خود را نمایش دهد.

بالات این دوره را بالات درباری **Ballet tede Coaur** مینامند.

در قرن نوزدهم روسیه بر اثر صنعتی شدن در مظاهر اجتماعی به پیشرفت‌های برجسته‌ای نائل گردید. در ادبیات، نقاشی و موسیقی هنرجوان روسی پیروزیهای بسیار کسب کرد. بالات روسی که از موسیقی محلی روسی الهام میگرفت و بر رقصهای فلکلوری چاپک و جذاب روسی تکیه میکرد و از لحاظ مضامین هنری از گنجینه وسیع افسانه‌های ملی روس سرشار بود بزودی تحول عظیمی در هنر بین‌المللی بالات ایجاد کرد.

این تکامل و تحول چگونه الجام شد؟

بدوران هنر بالات درباری نظر دیگری بیندازیم: از دوران لولی، بنابر مندرجات انسیکلوپدی موسیقی چاپ پاریس مازارن **Mazarin** صدراعظم مستبد و غارتگر فرانسه به مرادی دستیارانش

پیام نماینده فدراسیون بین المللی دمو کراتیک زنان به زبان ایران

« در این هنگام که ایران را ترک می کنم بنمایندگی از طرف فدراسیون دمو کراتیک زنان ایتالیا بزنان شجاع ایران که بدون ترس و تزلزل در راه صلح و بر ضد مپریا یستها و برای نجات کودکان خود مبارزه میکنند، درودمی فرمدم.

Maria Antonietta Massocchi

Partendo dall'Iran, io
piuttosto, a nome delle Femministe
e Democratiche Internazionali
Femminili, a nome di tutte le
donne italiane, le eroiche
donne dell'Iran, che lottano
ma senza alcuna paura
contro i feroci imperialisti,
per la pace e per la salvezza
dell'infanzia.
Oggi, davanti al mondo intero, dopo
le donne creare, riunite
in un'ammirazione e all'unisono
conoscenze, le eroiche donne
dell'Iran che la vittoria porta
conquistare la loro grande lotta!

امروز بعد از زنان کره، مبارزه زنان ایران ییش از
همه جلب توجه و تحسین هردم جهان را گردیده است.
فتخار نصیب زنان قهرمان ایران باد.
بیروز باد مبارزه زنان ایران.

ماری نتونیتا ما کچو کشی

رنج و زحمت در وجود اینها معنای شگرفی دارد حالا دیگر کار گران «عزیز و محترم»

شنبه ۵ آذر

امیر عزیز؛ حالا لخت پشت این میز نشسته‌ام و دارم با تو حرف میزنم. فقط یک عدد شلوار کوتاه پوشیده‌ام. همین الساعه از زیر دوش آب سرد درآمد و این دفعه دوم امروزم بود. بالای سرم بادبزن سقفی دارد میگردد و میگردد. پنجره سمت چپ اتاق باز است. بالای اتاق سمت چپ و کاملا رو بروی آن سمت راست دو پنجره باریک و دراز نیز باز است و با همه این احوال قطرات عرق روی پیشانیم دارد وول میخورد. اگر هم بادی بوزدگرم است.

امروز «شرحی» بود. از صبح تا حال اذبس آب خورده‌ام دیگر حالت استفراغ دارم. هواسنگین و متراکم است. مثل اینکه توی ریه آدم سنگینی میکند و بزمت بر میگردد.

اگر باعجله صحبت میکنم برای اینستکه فردا پست هوا یی حرکت میکند و میخواهم این حرف‌هایم راهمه برایت بگویم.

... خبری از زندان اینجا شنیده‌ام که شنیدنیست. جوانی که یازده‌ماه پیش ب مجرم شرات و چاقو کشی بزندان آمده و در دوران زندان آدم شده چند وقت پیش که استاد دهخدا دعوت همکاری برای مبارزه با یسوسادی کرده بود این جوان در زندان عده یسوسادان را واداشته است که درس بخوانند و سریکماه خودش شرحی بعنوان استاد دهخدا نوشته و گفته است که اینها یک‌ماهست دارند درس میخوانند و خودشان زیرا این نامه شرحی بخط خود مینویسند یا امضا میکنند... و حالا دوماه شده است که کلاس زندان را اداره میکنند... اینطرف و آنطرف زیاد میروفم.

دیروز رفتم کاغذ آباد، حصیر آباد، چادر آباد، تنور آباد،

ابوالحسن و نخلستان را دیدم. زندگی مردم را دیدم و فهمیدم که ماتابحال شعر و غزل میگفته ایم: بدون اینکه این کار گران را دید هرگز نمیشود معنی واقعی «زحمت» را فهمید. زحمت را من در اینجا شناختم. هرچه تابحال خوانده و شنیده و دیده بودم پیش آنچه دیر و از نزدیک دیدم و حس کردم هیچ است.

«زحمت» خود زندگی این کار گران و بیکاران است. محلی که شبانروز این مردم را در خوددارد راستی عجیب است... اینهمه عظمت و ابهت تاسیسات آبادان را ساکنین این حفره و دخمه ها وزندانهای حصیری و پارچه بی و آهنی و کاغذی بوجود آورده اند. تو که اینجاها را دیده بی میدانی چه میگوییم؛ آنچه را تودیده بی همین پابرنه ها ساخته اند. همه اینها حاصل دسترنج همینهاست و «رنج» و «زحمت» در وجود اینها معنای شگرف تکان دهنده بی دارد و از هزاران بحث و مطالعه و وصف و تعریف بهتر آدم را آدم میکند. زندگی در جای خنک، بادوش آب سرد، با یخ فراوان، بالباسهای راحت و مناسب، باوسایل نقلیه آرام، بامیوه و خوراکهای خوشگوار، با سرگرمیها و تفریحات شبانه، با خاطرات فیاض از یکطرف و جان کنند در گرمای وحشتناک و داغ در این بی‌غوله آهنی یا حصیری بانداشتن آب کافی، نداشتن آرامش خاطر، بی‌پولی، بی‌نانی ناخوشی، زن و بچه زیاد، خاطرات سراسر تلخ و رنجبار از طرف دیگر، اینست ما حاصل زندگی آنها که بوجود می‌آورند و آن عده که بوجود آوردها را غارت میکنند... حتی احتیاجات و تمایلات او لیه آدمی نیز در این دو گروه متفاوت است. همان احساس تمایلات نیز در این دو دسته باهم اختلاف دارد.

اگر با آن عده برای یک‌جهت وضع این گروه داده شود بی‌شک نفله خواهند شد... و دیگر چنانچه پس از این یک‌جهت جان سالم بدربرند تازه معنای تنعم سابق خود را در میباشد.

باید دید، فقط باید دید، باقی در همین دیدن است ولی باید هردو وضع را دید و گرنه ملاحظه حالت یکی انسان را از تصور دیگری بی‌نیاز نمیکنم. هر دو را باید دید و من دیدم، و فهمیدم که کار گر سازنده جهان زندگی است.

... وضع اینجا این روزها تماشائی است. همکی و دکتر متین

روزهای تاریخی در انقلاب مشروطه ایران

در این مختصر روزهای درخشان مبارزه ملت ایران برای استقرار حکومت مشروطه از زمان ناصرالدین شاه تا پایان کار محمد علیشاه گردآوری شده است. برای اینکه تاریخ ثابت این روزها معلوم باشد، در برابر هر تاریخ قمری، تاریخ میلادی هم ذکر شده است.

دسامبر ۱۸۹۱ - جمادی الاولی ۱۳۰۹ - تحریم قلیان و چپق از طرف مردم. علت این تحریم، مخالفت ملت ایران با اعطای امتیاز توتون و تباکو بخارجیان بود. این اعتراض عمومی به پیروزی انجامید و ناصرالدین شاه ناچار شد امتیازرا لغو کند.

۱۸۹۶ - ۱۷ شوال ۱۳۱۳ - ملت ایران نفرت و انزعجار خود را از سلطنت ناصرالدین شاه ستمگر و عیاش با ترور او نشان داد. در این روز شاه در حضرت عبدالعظیم بگلوله میرزا رضای کرمانی یکی از آزادمردان عصر خود از پایی درآمد.

دفتری سلسله النطق گرفته اند و مثل ریک بیابان بکار گران «تعارف و تکلم» می‌کنند. خوشمزه است که یکیشان دو سه شب پیش در نطقش گفت «ما اول بخدا بعد بشما توکل داریم» من آن شماره «خبر روز» که تعارف تکلمهای این آقا یون را چاپ کرده برایت فرستادم. بخوان و کیف کن.

حالا دیگر هر جا می‌روی «کار گران عزیز» و «کار گران محترم» می‌شنوی. معلوم نیست پیش ازین، اینها چرا «عزت» و «احترام» کار گران را قبول نداشتند؛ و چطور اول بخدا و بعد بکار گران توکل دارند اما جلو آنها سرنیزه می‌گذارند و دسته از آنها را حبس می‌کنند یا بیکار نگاه میدارند؟

ژوئیه ۱۹۰۶- جمادی الاولی ۱۳۴۴- جنبش مردم فقیر و گرسنه در نقاط مختلف کشور بعنوان اعتراض به مالیات‌های تازه آغاز شد و همین جنبشها طلایه انقلاب بزرگ مشروطه بود.

۵ اوت ۱۹۰۶- جمادی الثانی ۱۳۴۴- ۱۴ مرداد - مظفر -
الدین شاه در مقابل فشار افکار عمومی تسلیم شد و فرمان مشروطه را صادر کرد اوایل اکتبر ۱۹۰۶- شعبان ۱۳۲۴. نخستین مجلس افتتاح شد.

۱۰ فوریه ۱۹۰۷- ۳۶ ذی الحجه ۱۳۴۴- محمد علیشاه «مسیو نوز» بلژیکی را بواسطه اعتراض عمومی از ریاست گمرکات برداشت

۱۱ اوت ۱۹۰۷- ۳۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵- اتابک صدر اعظم ستمگر و مستبد محمد علیشاه جلوی مجلس بدست عباس آقای تبریزی از پای درآمد. عباس آقا عضو یک کمیته سری بود که «حیدر عمو او غلی» ریاست آنرا داشت

۱۲ سپتامبر ۱۹۰۷- ۳۵ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵- متن عهدنامه « تقسیم ایران » که چند روز پیش در « پتربورک » میان دولت روس تزاری و بریتانیا منعقد شده بود در تهران انتشار یافت و با نفرت عمومی مواجه شد.

اوایل فوریه ۱۹۰۸- ۱۹۰۸- ۳۱ محرم ۱۳۴۶- مردم بطرف اتومبیل محمد علیشاه که خودسری و قانون شکنی آغاز کرده بود ببی پرتاپ کردند

۱۳ ژوئن ۱۹۰۸- جمادی الاولی ۱۳۴۶- شاه در برابر اعتراض عمومی مردم تاب نیاورد و با قزاقان خود و کلنل لیاخف فرمانده قزاقان از شهر خارج شد و پیغامشاه رفت.

۱۴ ژوئن ۱۹۰۸- ۳۳ جمادی الثانی ۱۳۴۶- قزاقهای محمد علیشاه بسر کرد کی کلنل لیاخف مجلس را به توب بستند. شاه گمان می برد که از این راه می تواند صدای اعتراض مردم را خاموش گرداند این خود سری او با قیام عمومی مردم مواجه شد

گسروی و تاریخ هشتر و طه ایران

جادارد هر گاه که گفتگوی انقلاب مشروطه

ایران بینان می آید از شادروان کسری هم یاد

شود . کسری باندوین تاریخ مشروطه ایران

خدمت بزرگی بملک ماکرده است

تاریخ نویسی در دنیای نو، بصورت یک علم درآمده است .

امروز دیگر نام مورخ را بر روى وقایع نگاران دربار سلطنتی که
سمت مورخ و شاعر ندیم و میرشکار را یکجا گرد آورده بودند ، نمی

اوایل اکتبر ۱۹۰۸ - ۱۸ رمضان ۱۳۳۶ - مردم تبریز بر ضد

دولت محمد علیشاهی قیام کردند . در ۱۱ اکتبر چهارصد فرمان

برای خواباندن آتش انقلاب آذربایجان بتبریز فرستاده شد .

۳۳ مارس ۱۹۰۹ - ۱۳ صفر ۱۳۳۷ - مردم تبریز پس از آنکه

یکسال در محاصره قوای دولتی و خانهای عشاير بودند ودمی از

پیکار دست نکشیدند سرانجام در این روز قوای دولتی را درهم

شکستند . شکست محمد علیشاه از اینجا آغاز شد .

۵ زانویه ۱۹۰۹ - ۳۳ ذی الحجه ۱۳۳۷ - قوای مجاهدین جنوب

اصفهان را از دست دولتها بیرون آوردند

۵ مه ۱۹۰۹ - ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۷ - مجاهدین شمال بفرماندهی

«یفرم خان» تبریز را آزاد کردند .

۳۳ ژوئن ۱۹۰۹ - ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۷ - مجاهدین جنوب تیروی

دولتی را از قم به عقب راندند .

۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ - ۳۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷ - قوای ملی از

شمال وارد پایتخت شدند

۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ - ۳۷ جمادی الثانی - محمد علیشاه در مقابل

قوای ملی تاب نیاورد و بسفارت روس تزاری پناه برد ، مجلس بار

دیگر گشوده شد و شاه مستبد و قانون شکن را خلع کرد .

گذارند. مودخ امروز باید با روش علمی تحقیقات تاریخی آشنا باشد . فلسفه تاریخ را بداند . از روشن گردآوری اسناد و مدارک تاریخی و طرز تدوین و بکار بردن آن اطلاع داشته باشد و بالاخره بتواند با استدلال مثبت یا «استدلال منفی» جاهای خالی میان اسناد و مدارک را پر کند و رشتہ ارتباطی بین اسناد و مدارک گردآوری شده ، برطبق جریان درست و واقعی تاریخ ، از نظر فلسفه تاریخ بوجود آورد .

بیان این مطلب مستلزم بحث درازی است که صفحات «کبوتر صلح» گنجایش آنرا ندارد و ما نیز در صدد بیان این معنی نیستیم . کوشش شادروان کسری در راه نوشتمن تاریخ مشروطه ایران ازین لحاظ کوشش ارزنده و شایان تقدیر است . کسری با جمع آوری مدارک و اسناد فراوان در تاریخ مشروطه ایران نشان داد که انقلاب مشروطیت ساخته و پرداخته دست فرزندان رشید خلق ایران بود و درین تحول میرزا رضاها حیدر عمو اغلىها ، علی مسیوها ، ستارخانها و صور اسرافیلها نقشی بسیار مهمتر و تابناکتر از امثال سعد الدوّله و نصرالملک و مشیر الدوّله و تقی زاده و امثال آنان داشته اند . وی بی مدیحه سرایی و حمامه پردازی ، بأسند و مدرک نشان داد که «میوه چینان» انقلاب سرانجام از تکامل و رسیدن آن جلو گیری کردند و کوشیدند تا این نهال جوان و نوتس را بسوی دیوار سفارت انگلیس کج کنند و برای تأمین اقتدار و تثیت وضع خویش مشروطیت را بصورت آلتی معطل در آورند .

علت اینکه کسری متوجه نوشتمن تاریخ مردم ایران در دوران مشروطیت شد ، تا اندازه زیادی این بود که خود او مبارزات با کدلانه آذر بایجانیان را در راه فروزان نگاهداشتند مشعل آزادی ایران ، بچشم دیده بود و مردی چون او نمیتوانست آن اندازه کج خیال باشد که فداکاریهای ستارخان را نتیجه «تحریک خارجی» تصور کند . او کوشش بیدریغ تودهها را در راه تأمین آزادی و مشروطیت میدید و بهمین سبب وقتی دید که خونهای ریخته شهدای آزادی پامال میشود و «میوه چینان» نزدیک است که قهرمانان واقعی انقلاب را در فراموشخانه تاریخ بیندازند تصمیم بنوشتمن تاریخ صادقانه مشروطه گرفت و درین راه کوشش گرانبهای کرد .

با اینهمه چون محرک نگارش تاریخ «مشروطه ایران» احساسات پاکی بود که نسبت به بانیان مشروطیت ایران داشت و تا اندازه‌ی‌سی که برای یک مودخ شایسته‌لو دانا ضروری است بعلوم جدید خاصه فلسفه و فلسفه تاریخ و منطق نو آشنایی نداشت ناچار با نظرافهایی برخورد و با اینکه تاحدامکان کوشیده بود تاخودرا از لغزش مصون دارد باز هم کتاب نفیس او از بعضی خطای‌ای خالی نماند. البته لغزش‌های کوچک از ارزش کتاب او نمی‌کاهد و قدر او را نمی‌شکند، اما این مجوز نیست که ما آنرا نادیده انگاریم زیرا در این صورت ممکن است کسانی‌که پس ازو نیز درین راه قدم بر میدارند بهمان اشتباهات دچار شوند.

اینک نکاتی را بمنظور ما شایسته ذکر است با اختصار یاد می‌کنیم:

۱ - انشای تاریخ مشروطه انشای خاص کسری است. وی

در باره تغییرات زبان فارسی نظر خاصی داشت و عقده خودرا درین باره در رساله‌ی بنام «زبان پاک» نگاشته بود، مافعلا سربحث در آن باره را نداریم. اما حق این بود که کسری این «زبان» را در تدوین تاریخی که قسمت اعظم آن متن تلکرافها و اسناد تاریخی. مقالات جراید است بکار نبرد. زیرا در این صورت نه کتاب او بزبان «پاک» نوشته می‌شد و نه سبک نگارش عادی زبان فارسی را داشت.

۲ - شادروان کسری در تدوین اسناد تاریخی خویش،

آنها را بر حسب استحکام و عظمت تاریخی طبقه‌بندی نکرده و با صطلاح علم تاریخ از «نقادی اسناد و مدارک». غافل مانده است. تردید نیست که متن تلکراف انجمن ایالتی آذربایجان از نظر اهمیت تاریخی با نقل قول ازفلان کاسب سرگذر قابل قیاس نیست. زیرا میتوان تلکرافهای انجمن یامتن روزنامه‌های منتشره در حضرت عبدالعظیم را بعنوان اسناد متقن و غیر قابل تردید تاریخی مورد استفاده قرار داد. اما نقل قول فلان شخص در باره قتل برادرش از نظر علم تاریخ سندی‌تی نمیتواند داشته باشد.

۳ - در تاریخ مشروطه ایران بیشتر بجز یاناتی که در آذربایجان

میگذشته توجه شده است و اکرگاهی مختصرآ در باره وقایع سایر نقاط ایران اشارتی میرفته متکی باسناد و مدارک درست نیست این نقص دو علت دارد: یکی اینکه در آغاز کار کسری این کتاب را تحت عنوان

امضای کوکرینیکسی - **Kukriniksi** در زیر کاریکاتورهای زنده و پر مغز مطبوعات شوروی همیشه بچشم می‌خورد . این امضا از آن سه تن کاریکاتوریست و نقاش مشهور شورویست که همیشه باهم کار می‌کند . نام «کو-کری-نیکسی» از حروف اول اسمهای آنان

«تاریخ هیجده ساله آذربایجان» نگاشته و بالطبع درباره سایر نقاط کمتر تحقیق کرده است . دوم اینکه چون خود مورخ آذربایجانی بود طبعاً بهتر میتوانست اسناد و مدارک مربوط بتاریخ آذربایجان را جمع آوردی کند و این امر باعث آن شده است که کسری این تقریباً اهمیتی بساير نقاط ایران ندهد در صورتیکه اگر مؤلف گیلانی یا خراسانی یا خوزستانی بود ، قطعاً کتاب او صورت فعلی را نداشت .

۴ - اما نقصی که بیش از همه حائز اهمیت است اینست که شادروان کسری تاریخ خویش را بر روی زمینه اقتصادی و اجتماعی عصر مشروطیت نگاشته و درواقع از توجه بعلل و اسباب واقعی انقلاب بازمانده است . از انقلاب مشروطیت ایران ، یک طبقه اجتماعی خاص پشتیبانی میکرد و کسری در هیچ جای تاریخ خویش بدرستی نقش این طبقه را تشخیص نداده و از آن یادی نکرده است . انقلاب مشروطیت ایران ، در آغاز پیدایش از طرف بورژوازی ایران پشتیبانی میشد و اگر نقش این طبقه را در صدر مشروطیت و مبارزه بی که با فئودالها میکردند در نظر بگیریم ، بسیاری از مسائل برای ماروشن خواهد شد و مثلاً راز توفیق انقلاب در تقاطعی که پیشه‌وران و ارباب حرف و خرد مالکین اکثریت داشته‌اند و عدم توفیق آن در تقاطعی که زیر سلطه فئودالها بوده است بر ماروشن میشود .

متأسفانه جای تقاضی دقیق و مفصل جزئیات تاریخ مشروطه کسری درین مختصر نیست ما امیدواریم که جوانان دانش پژوه ایرانی برای خدمت بفرهنگ ملت ایران ، این نقائص را بر طرف کنند و رویه مرفته تاریخی که شایسته سوابق درخشنان ملت هاست برای ایران بوجود آورند .

ترکیب شده است باین ترتیپ «کو» از نام «کوپریانف» - «کری» از نام «کریلف» و «نیکسی» از نام «نیکلای - سوکولف». این سه هنرمند که درجهان هنرشوری جائی مخصوص بخود یافته اند تا کنون پنج بار جایزه استالین را در بوده اند و اعضاء اکادمی هنرهای زیبای شوروی هستند. هر کدام آنها از یک گوشه کشور پهناور شوروی آمده اند و نخستین بار در دانشکده هنرهای زیبا یکدیگر راشناختند.

«میشا - کوپریانف» که در اول کار گرفتی بود در سال ۱۹۲۱ از «تاشکند» به مسکو آمد. در آن زمان ۱۸ ساله بود و در ترسیم کاریکاتورها و تابلوها استعداد قابل توجهی نشان میداد.



از چه برآست : کریلف - سوکولف - کوپریانف

در پائیز همان سال «پر فیری کریلف» انبادری از مردم «تولا» در استودیوی مسکو باو پیوست. از این پس دو هنرمند جوان باهم بکار پرداختند وزیر آثار خود را «کوکری» امضا می کردند. اما نفر سوم فرستگها از آنان دور بود. او در شهر «ریبینسک» صندوقدار بود اوقات بیکاری خود را با نقاشی می گذراند وزیر کارهای خود را «نیکس» امضا می کرد. سرانجام «نیکلای سوکولف» هم بمسکو راه یافت. از سال ۱۹۲۴ سه نقاش جوان تصمیم گرفتند باهم بکار پردازنند و با این ترتیب «نیکس» همه به «کوکری» افزوده شد.

نخستین بار نام آنها در سال ۱۹۲۶ در روزنامه «کامسامولیا» بنظر مردم رسید. از آن زمان این سه هنرمند با کامیابی فراوان، گذشته از کاریکاتورهای جالب و پرمعنی برای آثار گورکی، چخوف، گوکول سرواتس و ... تصاویر مناسب تهیه کرده اند. نمونه ای از این تصاویر

مرگ مجاهد

لاهوتی در قطعه زبر شهادت صدر
میلیون حیدر عمو اغلی را بدمست
میرزا کوچک خان مجسم می کند

سپاه شاه در سمت جنوب جاده تهران
قشون ملی اندر شهر دشت و جنگل گیلان
یکی مأمور سلطان دیگری محکوم کوچک خان
یکی اردبی تاج و دیگری فرمابنبر اعیان
 فقط بهر نجات کار گر ، آزادی دهه آن
بند اندر داخل اردبی دوم هیئتی پنهان
شه نانی رئیس لشکر ملی خبر شد ذان
با خود گفت الحذر این از برای من خطر دارد

*
به او حیدر عمو اغلی داد پاسخ بالبی خندان
که نبود این چنین افکار پستی لا یق انسان
ز درنج فعله و دهقان جهان گردید آبادان
نه ملت هست و نی ایران بدون فعله و دهقان
از این بگذشته ما امروز در جنگیم با سلطان
چودشمن رو بر و باشد عنان زین فتنه بر گردان

که برای کتاب «مادر» گور کی تهیه شده در این شماره چاپ می شود.
با یه هنر کو کرینیکسی ها بر رئالیسم سو سیالیستی است. از آن
کندشته این سه تن بهترین نوونه برای نشان دادن امتیاز کار اشتراکی
هستند. گور کی یکی از دوستداران آثار این هنرمندان بود . هنر
کو کرینیکسی ها که در زمان جنگ ضربه های خرد کننده بر پیکر تبلیغات
تو خالی فاشیستهای نواخت امروز بخدمت صلح در آمده و جنگ
طلیبان را رسوا می کند .

مستر باسکرویل

امریکائی پاک نهادی بود که
جان خود را در راه آزادی ملت ما
فدا کرد. باسکرویل در سالهای
انقلاب در مدرسه امریکائیها در
تبریز آموزگار بود. با وجود
مخالفت روسای مدرسه و کنسول
امریکا با آزادیخواهان ایران
پیوست.

در جنگهای تبریز هنگام حمله
مردانه ای شهید گردید.
جانبازی «باسکرویل» درس
خوبیست برای «یانکی» های
امروز.



و گرنه شاه خواهد گشت فاتح اندیین میدان
میان آن دو تن این گفتگوها بود تاشب شد

*
در آن تاریکی شب هیئتی وارد بزنдан شد
سپس بر قی بزد کبریتی و شمعی فروزان شد
به پیش اهل زندان صدر ملیون نمایان شد
سخن کوتاه حیدر بارفیقان تیر بازان شد

*
زبس خون رفت از چشمش جهان شکل د گردیدی
زمین در لرزش و افالک را آسمه سردیدی
زهر سوصد هزاران بیرق خون جلوه گردیدی
پس هر بیرقی افواج صنف کار گردیدی
اساس حکم و استئمار را زیر وزبر دیدی
بساط مفتخواری زیر پای رنجبر دیدی
در آندم جان شیرینش که این نقش و صور دیدی
برون شدد ردها نش با صدای زنده بادافه... .

کتابهای تازه در دنیا

با خون دل

درستونی که از این شماره زیر عنوان بالا بازمیشود اطلاعاتی در باره کتابهای تازه بی که بزبانهای دیگرچاپ میشود بخوانند کان میدهیم
مطلوب اینستون راهنمای خوبیست برای مترجمین،
آشنایان بزبانهای خارجی میتوانند در باره کتابهایی که در اینستون نامبرده میشود اطلاعات پیشتری از ما بخواهند.

از کتابهایی که بتازگی در مطبوعات آزاد جهان مورد مطالعه و بحث قرار گرفته «با خون دل» است.

این کتاب سال پیش بربان فرانسه نوشته شد و همان سال بزبانهای دیگر از جمله زبان روسی ترجمه گردید. در این کتاب اسناد و نامه‌ها و خاطراتی از آخرین روزهای زندگی محکومین باعدام در یونان گردآمده است. در میان این قهرمانان که جان خود را بر سر آزادی وطن خود نهادند همه جورآدم از کار کر، دنشجو، هقان ذن و مرد بوده است که «گناه» هشان دشمنی آشتبی ناپذیر با اشغالگران امریکایی و نوکران آنها بوده. «ڈان بور نیاس» دانشجو که در این کتاب نامش برده شده فرمانده پلیسها «سوردیس» را که قاتل هفت نفر از میهن پرستان بوده بدست خود از پای درآورده است. «واسیلیس خاجیانیس» کارگریست و چهار ساله راه آهن چون نماینده بی را که با فاشیستها همکاری میکرد بسزای خود رساند عدم شد.

کتاب «با خون دل» که براستی با خون نوشته شده زندگی اندوهبار و پر شکنجه ملتی دلیر را مجسم میسازد. اما در سراسر کتاب حتی در تاریکترین مراحل، امید با یابنده و ایمان به پیروزی از میان نمیرود. این کتاب خواننده را بیاد نامه‌های ضد فاشیستهای آلمانی و تیرباران شده‌های فرانسوی می‌اندازد. در این کتاب جملاتی از آخرین گفته‌های قهرمانان در دقایق قبل از مرگ نوشته شده است

بالت چیزیست

میکوشید بجای بالت مترقبی و نسبتاً انتقادی فرانسوی بالت سبک بی‌مغز ، مفرح ، ایتالیائی را در دربار فرانسه جادهد – وی با این سوقات خود میخواست در باریان را سرگرم کند و تنها و بی‌رقیب بچپاول اموال مردم ستمدیده آن‌زمان بپردازد .
در آن روز فقط جنک هنر انتقادی فرانسوی در مقابل هنر سبک ایتالیائی باعث تکامل بالت گردید .

بهمنین ترتیب در دوره بالت روس (قرن نوزدهم) هنر جوان روس در پیکار با بالت کهنه درباری فرانسوی و ایتالیائی این تحول هنری و تکامل بالت را عملی ساخت . در این جنک تمام نیروی جوان و زنده هنر فلکلوری رقص و موسیقی روسی از یکطرف با عوامل کهنه و فرتوت بقا یای بالت درباری از طرف دیگر در کشمکش بود .
تکامل بالت متوقف نشد . این جنک و این تکامل همیشه ادامه دارد . در قرن اخیر یکبار دیگر تکامل بالت نوین در خلال جنک شدیدتری بین دونوع بالت انجام شد از یکطرف استراوینسکی‌ها با آثار توخالی خود که بر روی مضامین خیالی و بی‌مغز نوشته شده ،

این جملات از روزنامه « افکار آزاد » که پنهانی توسط خود زندانیان نشر میشدن نقلمیگردیده است . در این کتاب آمده است که چگونه زندانیان آخرین ساعت عمر خود را در سیاه چالهای مخفوف زندان « اگین » با رقص و شادی میگذرانند .

آنها در حالیکه پیمانه روحشان از عشق بزنده کی لبریز بود بسوی مرگ میرفتند و خم بابرو نمیآوردند .

ین کتاب را باید نباله رمان مشهور « قرن بیستم » ملپوا کسیوتوی نویسنده بزرگ یونانی دانست که در آن مبارزه ملت قهرمان یونان در سرگذشت « پلیکسنا » دختریک موسیقدان توصیف شده است .
ما امیدواریم بتوانیم قسمتهایی از این کتاب را برای خوانندگان

ترجمه کنیم .

برای تهیه این مقاله از مجله « نوی‌میر » چاپ مسکو استفاده شده است .

و با موسیقی گوش خراشی توام است اصول کلاسیک را بروشی باصطلاح مدرنیسم (نازهه‌جوئی) زیر باگذاشته و با این نوع آثار هنر تخدیر کننده و مسمومی در اجتماع منتشر می‌کنند. نمونه اینها در فیلم کفشهای قرمز نمایان گردید - و از طرف دیگر هنر مترقی امروزی می‌کوشد با ساختن بالتهای با مضامین ذنده و واقعی از این راه به پیشرفت اجتماع خدمت کند - درس بدهد - انتقاد کند و آنها را در راه زندگی رهبری نماید در این پیکار هنر بالت مترقی زائیده می‌شود، پرورش می‌باید و با اجتماع به پیش میرود.

چند نکته دیگر ...

بالت خیلی زیاد به اپرا شباهت دارد. در اپرا مضامین بوسیله آواز انسانی بیان می‌شوند. در بالت حرکت: رقصهای موزون و پرمعنایی که هر قدم آن معنی و منظور خاصی را میرساند پیشرفت دراماتیک داستان را نمایش میدهد.

ترکیب آواز و رقص غیرطبیعی و غیرعملی است همراه در رقصهای مشکلی که فقط اجرای آن کافی است بازیگر ماهری را خسته کند نمیتوان آواز خواند. از طرف دیگر حرکت سریع بدن مانع فصاحت بیان و آواز است صرفنظر از اینکه یکی از شرایط لازمه آوازخوانی آرامش بدن است.

با این ترتیب همانطور که همراه با اپرا آوازهای پیشرفت کرده امروز رقص آکادمیک یک رشته خاص هنری را بخود اختصاص میدهد و همانطور که نوشتند آواز سهم بر جسته‌ای در اپرا دارد، آن یک هنر دقیق و مشکلی است. **Choreographie** یعنی نوتسیون مخصوص رقص‌ها و ترکیب‌بندی است.

تقویم هنرمندان

۳۴ ژوئیه - ۱ - مرداد

۱۸۲۸ - ن. گ چرنیشفسکی دانشمند بزرگ شوروی در این روز بدنیا آمد. او را باید یکی از فلاسفه ماتریالیست شمرد. چرنیشفسکی در سال ۱۸۸۹ درگذشت.

اغلب اشتباهآ تصور میکنند بالت که در گذشته هنر محظوظ در بارها بوده با تکامل و تحول اجتماع از بین خواهد رفت ولی این تصور صحیح نیست . چنانکه گفتم پایه های هنر بالت را موسیقی - نقاشی و رقص تشکیل میدهد

این سه شاخه دائماً در حال تکامل هستند از طرفی ترکیب این سه شاخه که کم و بیش از دورانهای تمدن اولیه انجام شده جزو یک دوره مخصوص تاریخی و زائیده آن نمی باشد - این ترکیب روز بروز محکمتر، فشرده تر و استوارتر میگردد و از طرف دیگر تاریخ نشان میدهد که با تکامل اجتماع بجای اینکه ترکیب های هنری گذشته از هم گسیخته شوند ترکیب های پیش رو و تازه تری بوجود می آید.

سینمای امروز یک نمونه جدید ترکیب هنری است . پس بالت نمیتواند از بین برود بلکه عوامل کهنه و پیرهاین بالت در جریان تاریخ و در جنک با عوامل نوین زائیده اجتماع نوین از بین میرودهاین بالت برای انسانهای امروزی آموزنده و مفید شده - و مضامین افسانه ای و خیالی گذشته جای خود را بعنوان های واقعی و زنده میسپرد.

در شماره دیگر : « رئالیسم سویالیستی » کدامست؟

تقویم قهرمانان

۳۵ ژوئیه - ۳ مرداد

۱۸۲۶ - در این روز بفرمان تزار نیکلای اول سران سازمان سری « دکابریستها » را درروسیه اعدام کردند .

تقویم هنرمندان

۳۶ ژوئیه - ۴ مرداد

۱۸۴۱ - م. نو. لرمانتوف شاعر بزرگ روسی در این روز در یک دوئل از بای درآمد . او بسال ۱۸۱۴ متولد شده بود .

۱۵ آوت - ۷ مرداد

۱۹۳۵ - ا. شیروان زاده نویسنده کلاسیک ادبیات ارمنی در گذشت او در سال ۱۸۵۸ متولد شده بود .

این کتابهار اخواندہ ایم

درا عمماق اجتماع

اٹر : ماکسیم گورکی

ترجمہ: عبدالحسین ذوشین

١٤١ صفحه ٣٠ ريال

فاسن: اہمیر کبیر

شادی- از چخوف منتشر شد

حیدر عمو اغلی

در یک خانواده ایرانی مقیم
ارمنستان بدنیا آمد. در رشته مهندسی
برق تحصیل کرد و با ایران آمد.
از آغاز جنبش‌های مشروطه پنهانی
کارهار اداره می‌کرد و از دهبری
سوییان دموکراتهای روسیه بر-
خوردار بود.

اتابک وزیر محمد علیشاہ و
دشمن بزرگ آزادیخواهان بدستور
او و بدست عباس آقا تبریزی از
پای در آمد. نقشه از میان برداشتن
محمد علیشاہ بدست او کشیده شد.
وقتی تبریز در محاصره قوای دولتی
بودو «شجاع نظام» هر لحظه
آزادیخواهان را به قطع رابطه با
جلفا تهدید می کرد با نقشه حیدر
عمواغلی، شجاع نظام هم با بمباز
پای در آمد. در سال ۱۲۹۰ بدستور
سپهبدار بخارج از ایران تبعید شد.
اوائل انقلاب اکتبر بشوری دیگر
رفت در انقلاب گیلان بار دیگر
بخاک ایران قدم نهاد اما در اثر
دیسیسه خائنانه میرزا کوچک خان،
دستگیر و در مرداد ۱۳۰۰ تیر
باران شد. لاهوتی شاعر بزرگ او
انقلابی شعری در باره مرگ او
سروده که در همین شماره چاپ می شود



در تابلو بالا که «کوکرینیکسی» برای کتاب «مادر» گور کی نقاشی کرده اند، مادر در استکاه اعلامیه ها را میان مردم پخش می کند - «معرفی هنرمندان» را بخوانید

نگاه

مجموعه شعرهای نو

اثر ناصر نظمی
در ۸۲ صفحه
بها ۲۰ ریال
ناشر: امیر کبیر

این کتاب حاوی ۱۶ قطعه
شعر نو از آقای نظمی است.
در «نگاه» از غزل گرفته
(ساز شکسته) تا شعرهای وزن و
قافیه دار «نو» و شعر سفید وجود
دارد.

مقدمه بی نیز در باره شعر
فارسی و تحول آن - البته بطود
اختصار - براین کتاب نوشته شده
است. ارزش شعرهای «نگاه» با
یکدیگر متفاوت است. بعضی از
آنها را شاعر بسائقه هیجان روحی
«گفت» و بعض دیگر را «ساخته»
است. ترکیبات خوش آهنه و
تعابرات دقیق واستعارات زیبا در
«نگاه» زیاد دیده میشود. امادر
عين حال شاعر تحت تاثیر کسانی که
با او در شعر و شاعری هم عقیده
هستند نیز قرار گرفته است.
بعضی از اشعار او «توللی»
و «اسلامی» را بخاطر می آورد.
برداشت «چشمها» او درست

داستانهای دریای جنوب

از: جک لندن - ترجمه: محمد
جعفر محجوب - در ۱۰۴ صفحه
بها: ۲۵ ریال - ناشر: امیر کبیر
این کتاب دومیست که همکار
ما آقای محجوب از «جک لندن»
ترجمه می کند.

آنار «جک لندن» امروز در
دنیای آزاد ارزش و رونق خاصی
دارد. جک لندن در دوران زندگی
پر ماجرای خود بیشتر نقاط جهان
را گشت و از آن‌جمله نواحی
استوایی جنوب آسیا و اقیانوسیه
را خوب سیاحت کرد.

در کتاب بالا نویسنده نتیجه
این سیاحت دور و دراز را بصورت
داستانهای پرهیجانی بخوانند کان
تقدیم میکند. داستانهای «دریای
جنوب» از عادات و رسوم ساکنین
جزایر اقیانوسیه و ستمکاریهای
دول استعماری مناظر فراوان
دارد.

با آنکه تعریف از ترجمه
کتاب در این مجله شایسته نیست،
باید گفت که آقای محجوب خوب
از عهده این کار برآمده است.
کتاب شامل چهار داستان:
بت پرست - خانه‌ماپوهی - ماجری
ومانوکی است.

چند خبر

ناظم حکمت

بدولت ترکیه پاسخ میدهد
هفته گذشته دولت ترکیه
اعلام کرد که ناظم حکمت فرزند
خلف ملت ترک را از تابعیت خود
اخراج کرده است. این عمل دولت
ترکیه که در اثر فشار مقامات
امریکائی انجام یافته در میان ملل
جهان با تمسخر و انزجار تلقی شد.
«ناظم حکمت» در نامه‌ای که

پس از اعلام خبر بالا به روزنامه «پراودا» نوشته می‌گوید: «من فرزند ملت ترک هستم اما هرگز نمی خواهم تابع مستعمره امریکا، تابع دولتی که فرزندان رشید ترک را به میدانهای جنک می‌فرستد، باشم ...» سپس توضیح میدهد که من تابعیت خود را در مبارزه برای آزادی ملت خود می‌دانم نه در داشتن پاسپورت دولت ترکیه و این حقی است که هیچکس نمی‌تواند مرا از آن محروم سازد.

شاعر دلیر ترک در پایان نامه خود می‌نویسد:

«این آقایان پیش از آنکه مرا از تابعیت دولت ترکیه اخراج سازند، همه ملت ترک را از این حق محروم کرده‌اند ... اما در همه حال ملت ترک از مبارزه دست نمی‌کشد. او برای آزادی خود جنگیده است و باز هم خواهد جنگید ...»

«بازو» اثر محمدعلی اسلامی را بیاد می‌آورد و قیانه وی بخوبی درین اثر دیده می‌شود. کتاب زیبا و بی‌غلط چاپ شده است. تنها در «غروب دریاچه» مصرع «گوئی بزمزمه موجهای نرم» از وزن اصلی خارج شده است و این نیز بدون شک غلط چاپی است. بهای کتاب هم گران بنظر میرسد.

تقویم دانشمندان

۱۳ مرداد - ۱۹۸۰

۱۸۹۵ - فردریک انگلیس دانشمند بزرگ و همکار کارل مارکس در گذشت. او بسال ۱۸۲۰ بدنیا آمده بود.

در باره

نها پیشگاه نخستین فستیوال ملی جوانان

همکام با پیشرفت‌های شایان تقدیر و توجه جوانان ما در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و صلح‌جویانه هنرمندان ما هم با قدمهای ثابت و استوار در رشته‌های مختلف هنری بسوی یک آینده درخشان و پرامید پیش می‌روند.

برای هنرمندان ما مسلم شده که نمیتوانند از مبارزه همگانی و مقدس آزادی‌خواهان و صلح‌دوستان برای بدست آوردن خواسته‌ای ملت‌ها بر کنار بمانند. این مستله را می‌توان در آثار آنها که منعکس کننده مبارزات پی‌کیر طبقات زحمتکش و شرافتمند ماست بطور روشی ملاحظه کرد.

موسیقی ما از صورت خواب آور و سرودهای مبتذل بیرون آمده و می‌رود که صورت ملی و موئزی بگیرد.
امروز با غچه‌بان و ناصحی را داریم، فردا از میان شاگردان آنها هنرمندان بزرگتری برخواهند خواست.

نقاشان جوان و پرشور ما هم دست بکار نشان دادن قهرمانی‌های خلق شرافتمند و رزم‌مند ما هستند. اعتصابهای درخشان و قهرمانی خوزستان، میتینگ‌های باشکوه تهران و اصفهان و کرمان فجایع تنگیں استعمار طلبان و نوکران ایرانی آنها تأثیر غیر قابل انکاری در هنرمندان ما بجا کذاشته است.

تشکیل سومین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در بر لین و نخستین فستیوال ملی جوانان و دانشجویان ایرانی در تهران فرصتی بود که هنرمندان جوان ما کوششهای ثمر بخش خود را در این راه به ملت صلح‌جو و مبارز ایران نشان دهند.

هر چند ممکن است که این فعالیت‌های هنری، هنوز یک شکل عالی دنیا پسند نداشته باشد، ولی از نظر ملت ما در همه حال ارزشده است.

داودی در اثر خود «میتینگ خونین کرمان» «اعمال ضد انسانی



شادروان بهبهانی

و رذیلانه حکومت دست نشانده امپریالیسم را در خفه کردن نداهای همدردی مردم کرمان بخوبی نشان میدهد . «ادیک آیوازیان» در تابلوی «بعداز بمباران» سکوت و غمzdگی ، و نفرت از این صحنه‌ها را با رنگها و فورمهای مؤثر مجسم کرده است. پلاکادهای نقیس «مادر و فرزند» و «بسی صلح» کار مساح و حبیب محمدی را نمیتوان باسادگی نگاه کرد . این کارها از زنده‌ترین پلاکادهای ساخته شده در ایران است . در تابلوهای «فرزنم را بکشید ...» ، «هشتم مارس» ، «در کره» و «بعداز جنک» ، سایبان قهرمانیها و مبارزات در خشان ملت مبارز ما ، و بد بختیها و فلاکت ناشی از جنک و نفرت از این صحنه‌ها را مجسم کرده است .

محمد روشن نفس از دشت و جوانان دیگر از بهشهر و شهرستانهای دیگر کارهایی در این نمایشگاه داشتند که نشانه صلح خواهی و فعالیت جوانهای ما است.

برای رفیق مبارز و هنرمند خاشع عزیز ،
برای همه کشتگان و مجرو حین و مصدومین ،
برای تهران ، تهران سرفراز و قهرمان

درس زندگی

با خون گرم روی زمین سیاه سرد
دستی نوشت «ملت آگاه من به پیش !
«با مرگ من مبارزه پایان نیافته است
هراء من ! به پیش !»

یونان شکنجه دید ولی سرفراز ماند
اسپانی زیر چکمه آدمگشان نمرد
بیداد گر فنا شد و آئین خودسری
با خود بگور برد

تهران رنج دیده خونین قهرمان !
شهر بخون کشیده پیروز سوگوار !
نام تو بر جیین حوادث نوشته شد
با دست افتخار

دشمن گمان نمود که آن توده عظیم
میترسد از گلوله و تسلیم میشود
با پایه حکومت بیداد و ظلم وجود
تحکیم میشود

اما بخون خویش نوشتند کشتگان .
«روز فنای خود سری و مرگ بندگی است»
اینست درس مکتب خلاق کار گر
این درس زندگی است !

به آنها که می کوشند سخن سرای صلح باشند ...

چندی پیش موضوع «کبوتر صلح» را در میان خوانندگان مجله بمسابقه گذاشتیم و از آنها خواستیم که در اطراف موضوع بالاشعری یاد استانی بنویسند. با تأسف فراوان باید گفت که از میان صد و یازده پاسخ رسیده هیچیک قابل چاپ نیست به نویسندهای این جوابها به همه خوانندگان توصیه می کنیم مقاله زیر را بخوانند تا در شماره دیگر با فرصت بیشتری درباره نمونه های مشخص این جوابها بازهم صحبت کنیم.

از یاد نمیتوان برد که دو زمان آرزوها و امیدهای است.

مردم با هر طرز فکر و هر آرزو میخواهند که «زندگی» را دریابند و از آن فیض ببرند. گروهی آرایش چهره آنرا مشتاقند. جمعی توصیف جمال آنرا میطلبند. دسته بیو بیان حقایق آنرا خواستارند: از همه اینها کسانی خویشن را نیاز زندگی میکنند و لامحاله بیکی از چند مراد خود دست میزنند و آنرا میجویند و آنرا وصف میکنند و آنرا به بیان می آورند.

در باره زندگی و کیفیات آن همه هفته برای ما شعرها و نوشته های فراوانی میرسد. این شعرها و نوشته ها نیز چون خود زندگی چهره ها و کیفیات گوشا گون دارد. بعضی در بیان مقصود راه و روش گذشتگان را دارند. سخن آنها اگرچه مفهوم است اما به دل نمی نشینند. جمعی اصرار دارند مکنونات خاطر خود را در طرح های تازه بنمایانند و طراز جدیدی بر حاشیه آن بندند.

سخن اینها هم گنك و نارساست و هم بدل نمی نشینند؛ اما نشانه هایی از ذوق معنی یاب و خاطر زیبایی دوست در آن هست که دلکش است. سخن ما با این دسته است. بهترین سخن آنست که بهترین

این درس زید گیست که امروز توده را

بی اعتنابه تیر جگر سوز میکند

ما را در این مبارزه بردشمنان خلق

پیروز میکند

شیراز - ۲۸ تیرماه ۱۳۳۰ از : (حرفه) چاپ شیراز

بیان را داشته باشد، فهم مقصود را آسان کند، لطافت ذوق را پروراند
زیبایی مطلوب را ارائه دهد و کمال ادراک را رهمنون شود.
نمیتوان مقصود را از نشانه، یا مضمون را از شکل جدا کرد همچنانکه
طعم میوه در خود میوه است و جدا بی ناپذیر است باید شکل و مضمون
نیز بدانسان بیکدیگر پیوسته و توأم باهم باشد.

تقدم هیچیک بر دیگری نه صحیح است و نه زیبا . شیوا بی و
زیبائی هردو در پیوند هنرمندانه مضمون و شکل است .

در بیان مطلب تقید و تعقید روانیست. گوینده باید نه مقید شود
ونه رسایی کلام را چادر پیچید گی پوشاند. سخن هر چه بر هنر تر
شایسته تر . چون مردمند که باید از جمال سخن بهره بر آگیرند و همگانند
که باید معنای تازه و تعبیر تازه بی از مظاهر زندگی در یابند و
لذت برند .

سخنی که رسماً و شیوا باشد آرایش دهنده معنی است و خواننده
را فیض خاصی میبخشد که کمال مطلوب هنرور است .

گذشته ازین ، تنها کافی نیست که مضمونها از زندگانی مردم
گرفته شود. باید شاعر را زندگی را برای خواننده نشان دهد و چگونگی
پیرایش آن را باز گوید و با خواننده در شناخت زندگی همدلی کند. بسیاری
از کسانی که برای ما شعر میفرستند سخن از صلح میگویند و در باره این
شریفترین آرزوی بشری در بی خلق زیبائیهای فراوانند . اما مردم ،
اگر صلح را دوست میدارند بخاطر معنویت و حقانیت و ضرورت آنست
باید همین را ز راکستر ش داد و از آن توصیفها گفت . رها کردن پرنده
تخیلات در توصیف صلح ، بطور مطلق ، کافی نیست بلکه چندان
درست هم نیست .

باید بعمق تمايلات مردم بی برد و آرزوهای آنان را شناخت
و به نیکوبی وصف کرد ما از نویسنده کان اشعار همین تقاضا را داریم
و آنها بی را که در بند تعبیه شکلهای نوینی برای ساخته های خود هستند
بدین دانشکده آهوزنده رهمنون میشویم که بسوی مردم روند؛ آنها
را بشناسند و با آنها زندگی کنند و زندگی آنها را نشان بدهند؛ و
بیان خود را شایسته شکوه و عظمت مردم کنند .

۵— تشییه از پییر لوئیس شاعر و نویسنده فرانسوی .

جواب نامه شما

* آقای شجاع قهاری - لازم است نوشه ای از نقاشی خود را برای ما بفرستید. برای ملاقات با مدیر مجله به بنگاه سپهر مراجعه کنید.

۵ آقای محمد کریم آموزگار ۸۴ - سعی کنید از این پس در حال تب نامه نتویسید. ما ادعای نکرده ایم که در مجله کوچک خود بحث های عیق و مفصل طرح می کنیم. هدف ما آشنا کردن خوانندگان به «هنرنو» و «خدمت در راه صلح» است .

با اینحال نکات قابل قبول انتقاد شمارا می پذیریم .

* آقای صدری نائینی ۹۶-۴ - ویکتور ماری هو گو (۱۸۸۵-۱۸۰۲) نویسنده و شاعر بزرگ فرانسویست که متجاوز از ۶۰ اثر مختلف از خود بجا گذاشته . امانوشه ای که بتوان در «کبوتر صلح» ترجمه کرد از او در دست نیست . نامه ها را بعنوان هیئت تحریریه بنویسید .

* آقای عباس مستوفی (مشهد) ۱۲-۴ - ۱ - دفاع از آن «تابلو» یا توصیف دقایق آن را بهده نمیگیریم . کبوتر «مشهور پیکاسو» در بالای همه روزنامه و نشریه های صلح چاپ میشود .

۲ - هنرمندان ایرانی هم بواقع معرفی خواهند شد . هیچگاه سوالها یا انتقادهای شمامارا ناراضی نمی کند

* آقای هوشنگ جوادی پور (رشت) ۱۵-۴ - آن کتاب ترجمه «بر تو آذر» است نه «نوذر» و مجله ما «کبوتر صلح» است نه «ستاره صلح» ۲ - مقاله های موسیقی برای اهل فن قابل استفاده است .

* آقای محمود طاهر پور (کرمانشاه) ۴-۲۴ - بی تردید این کار غلط و بضرر اجتماع است .

* م. ۲۶-۴ - اگر دوره آن روزنامه در دسترس شماست یکبار دیگر آن را مطالعه بفرمایید تا باماهم عقیده شوید .



چند خبر

زمینی» از هنگری تقدیر نامه کر فتند
همچنین به هنرمندان زیر تقدیر

نامه داده شد:

ایرژی ویس رژیسور از چکسلواکی
برای فیلم «جنگجویان نوین قیام
می کنند» لوی دا کن رژیسور فرانسوی
برای فیلم «ارباب بعده زخدا»
شی - دون شان - رژیسور چینی
برای فیلم «قهرمانان نو»
«روز مرک گور کی از همه
جای دنیا هدایاتی برای موزه او

داشتم فرا رسید و ما به پایتخت
کشور سوراها قدم نهادیم..»

«ششمین فستیوال سینمایی بین
المللی در شهر «کارلو وار» بر
گردار شد و جایزه ها باین ترتیب
میان فیلمهای برنده تقسیم گردید:
۱- «جایزه بزرگ» نصیب
فیلم شوروی «سوارستاره ذرین»
گردید.

۲- «جایزه صلح» به فیلم چینی
«سر باز پولادن» اعطاشد.

۳- «جایزه کار» از آن فیلم
«معدنچیان دو نتر» شد.

۴- «جایزه مبارزه در راه
آزادی» را به فیلم «پارتیزانها»
محصول استودیویی کره و فیلم
بلغاری «هیجان» دادند.

۵- «جایزه مبارزه برای
پیشرفت اجتماعی» نصیب فیلم
آلانی «جان باز» گردید.

۶- «جایزه کیمیه صلح
چکسلواکی» به فیلم سندی لهستان
بنام «صلح در همه دنیا پیروز میشود»
اعطا شد.

سه فیلم «دوشیزه سپیدموی»
از چین «دنیاتی در زیر ذیتونها
نیست» از ایتالیا - «مستعمره زیر



رسید. از جمله معدنچیان چک یک
چراغ معدنی (عکس بالا) را برای موزه
گور کی فرستادند.



﴿ مجله « لایف » چاپ امریکا در شماره ۲ ژوئیه خود عکسهای از حرکت قوای امریکا بطرف اروپا چاپ کرده است . کوشش فراوان شده که سربازان را در این « سفر بسوی مرگ » خوشحال و راضی نشان دهند امادر عکسها همه جا قیافه‌های ماتمذده و آندوهگین بچشم می‌خورد . در آن میان عکس، بالا ز همه جالبتر است . این دو زن کربان مادر و دختری هستند که یک‌گانه پسر خانواده خود را بدستور ترورمن بسوی مرگ می‌فرستند . اینها خط زنجیر پلیس راشکافته و خود را بکنار کشی دسانده‌اند و با گریه و فریاد می‌خواهند تنها مرد خانواده خود را از حرکت باز دارند . اینها هستند افراد ملت امریکا که فریاد نفرت و بیزاری خود را از جنگ بگوش جهانیان می‌رسانند .

بزرگ علوی

نامه‌ها

« مجموعه داستان »

از طرف بنگاه سپهر منتشر گشود

« سایمان »
شاگرد می‌پذیرد
خیابان جامی - شماره ۱۲۷